

پشت پرده کمبود آنتی‌بیوتیک‌ها

شرق: کمبودهای دارو آن هم داروهای ساده‌ای مانند انواع آنتی‌بیوتیک‌های اطفال، استامینوفن و ایبوپروفن که همواره در داخل تولید می‌شد، هم‌زمان با موج آنفلوانزا در کشور کم‌سابقه بود؛ کمبودهایی که یک معاون وزیر قربانی گرفت و دولت را وادار به واردات شربت‌های آنتی‌بیوتیک کرد که واکاوی علل اصلی آن نتایج جالبی دارد.

صفحه ۸

سرمقاله

عاقبت واقعیت‌گریزی راهبردی



کوروش احمدی

مواضع اخیر چین در جریان سفر رهبر این کشور به عربستان و دو بیانه مشترک با عربستان و شورای همکاری خلیج فارس اگرچه سیاست خارجی جمهوری اسلامی را با بحران مواجه کرده است و قاعدتا باید مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تکان داده باشد اما برای ناظران بیرونی غافلگیرکننده نبوده است. چنین عاقبتی برای یک سیاست خارجی تک‌سویه و نامتوازن قطعی و محتوم است. هیچ‌وقت تردیدی در نادرست‌بودن تصور مسئولان ایرانی مبنی بر داشتن روابطی راهبردی با چین وجود نداشته و مقامات چینی هرگز چنین تصویری نداشته‌اند. این مواضع فقط رویکرد سیاسی سال‌های اخیر چین به منطقه و بازیگران آن را از پرده برون افکند. اما دو چیز تعجب‌آور است: نخست اینکه چین نه‌تنها در تعرض به تمامیت ارضی ایران بلکه در همه موارد دیگر بر مواضع شوروی همکاری صحه گذاشته و از جمله از مشارکت «کشورهای منطقه» برای رسیدگی به «پرونده هسته‌ای ایران» حمایت کرده، فعالیت‌های ایران در منطقه را «بی‌ثبات‌کننده» خوانده، «حمایت از گروه‌های تروریستی و فرقه‌ای و سازمان‌های مسلح غیرقانونی» را به ایران نسبت داده و خواستار پیشگیری از «اشاعه موشک‌های بالستیک و پهپاد» شده است. دوم اینکه چین در حالی چنین صریح و علنی بسا ایران درافتاده که خود اولاً با دعاوی ارضی بی‌شماری مواجه است و ثانیاً در چارچوب راهبرد بنیادین «رشد صلح‌آمیز» همیشه به جد می‌کوشید تا در مناقشات سیاسی و ژئوپلیتیک بین کشورها کمالاتی بی‌طرف بماند. شگفتی این مواضع چین وقتی روشن‌تر می‌شود که بدانیم در بیانه مشترک بایدن و شوروی همکاری که در سرفش به عربستان در ۱۷ جولای ۲۰۲۲ منتشر شد، نه سخنی از جزایر ایرانی است و نه از اتهاماتی مشابه علیه ایران.

چین به عنوان کشوری که تمرکزش بر رشد اقتصادی است و در سالان ۲۰۲۱ صادراتی معادل ۳۰۳۶ تریلیون دلار داشته، چگونه می‌توانست با کشوری که تنها ۸۰۳ میلیارد دلار از این صادرات یعنی اندکی بیش از دودهم درصد آن را جذب کرده، رابطه‌ای استراتژیک داشته باشد؟ در مقابل، وقتی چین یک تجارت ۳۲۰ میلیارد دلاری با شوروی همکاری دارد و از جمله حدود ۴۰ درصد از کل نفت وارداتی‌اش را از این بلوک تأمین می‌کند، چرا نباید آنها را به ما ترجیح دهد؟ به همه اینها باید فرصت‌های ناشی از چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان، نگاه استراتژیک چین به سواحل جنوبی خلیج فارس از جمله در ارتباط با ابتکار جاده و کمربند و سرمایه‌گذاری ۵٫۵ میلیاردی دلاری در عربستان در این رابطه در سال جاری و بسیاری موارد دیگر را نیز افزود. در کل، طبیعی است که دیگران حساب واحدی برای شورای همکاری با مجموع تولید ناخالص داخلی حدود دو تریلیون دلار در ۲۰۲۲ با رشد ۶٫۹ درصدی و ایران با تولیدی معادل ۲۷۰ میلیارد دلار باز نکنند.

البته همکاری چین با غرب‌ها محدود به همکاری‌های اقتصادی نیست. چین در سال‌های ۱۹۸۸ و ۲۰۰۷ به‌طور محرومانه موشک‌های بالستیکی به عربستان تحویل داده که سه هزار کیلومتر و هزار و ۷۵۰ کیلومتر برد دارند. مهم‌تر اینکه بر مبنای عکس‌های ماهواره‌ای که در دسامبر ۲۰۲۱ علنی شد چین بی‌سروصدا درحال راه‌اندازی کارخانه تولید موشک در عربستان است. شورای همکاری همچنین امیدوار است که از طریق همکاری با چین و افزایش وابستگی نفتی یکن به منطقه، حمله به تأسیسات نفتی و تهدید بستن تنگه هرمز را غیرممکن کند؛ ضمن اینکه در بیانه بر مخالفت با «هر نوع حمله علیه غیرنظامیان و تأسیسات غیرنظامی و سرزمین و منافع عربستان» تأکید شده است. «بیمان‌های ابراهیم» بین اسرائیل و برخی کشورهای عربی نیز باید یک مانع قدیمی را از سر راه چین برای همکاری‌های استراتژیک با غرب‌ها برداشته باشد. شاید تصور چین این بوده که جمهوری اسلامی با توجه به تقابل هم‌زمان با سه محور عربی، عبری و غربی قادر به واکنش چندانی نخواهد بود. بی‌دلیل نیست که در بیانه‌ها تمرکز بر عدم اشاعه سلاح‌های اتمی در خلیج فارس است و نه در کل خاورمیانه.

از طرفی، نظر به اینکه عدم توازن در سیاست خارجی منشأ تمام

خسارات است، شوروی همکاری همواره در تلاش برای توازن در رابطه با همه قدرت‌های جهانی بوده است. این شش کشور ضمن اینکه همچنان به لحاظ امنیتی به ۱۲ پایگاه و تأسیسات نظامی و حداقل ۴۵ هزار سرباز آمریکایی مستقر در قلمروشان وابسته‌اند، هم‌زمان با روسیه نیز از طریق اوپک‌پلاس و قدرت‌های اروپایی از مسیرهای اقتصادی و نظامی همکاری دارند. تنوع‌بخشی در سیاست خارجی همچنین یکی از اهرم‌های عربستان برای تعدیل سردی روابطش با آمریکااست که از نگاه آمریکا به عربستان از لنز حقوق بشر، جنگ اوکراین و سیاست‌گذاری نفتی ناشی شده است.

ضمن اینکه عربستان همیشه در پی همسویی با چین برای تحقیر

دموکراسی و حقوق بشر بوده است.

این دو بیانه مشترک چین با سران عرب علاوه بر تعرض به تمامیت ارضی ما و طرح دیگر اتهامات، درمجموع حاوی نگاهی بدبینانه به آینده ایران و تنزل جایگاه آن در منطقه نیز هست. شاید پیش‌فرض چین این بوده که روابط ایران و غرب به وضعیت غیرقابل‌بازگشتی رسیده و ایران در داخل نیز با مشکلاتی مواجه است که دستش را برای مقابله با مانورهای یکن می‌بندد.

ادامه در صفحه ۵



سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۱ • ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۳ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۴۵ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

واکنش چین به تأثیر بیانه مشترک با شورای همکاری خلیج فارس بر روابطش با ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه چین در یک نشست خبری به سؤالی درباره تأثیر بیانه مشترک چین و شورای همکاری خلیج فارس بر روابط تهران-پکن پاسخ داد.به گزارش ایسنا، به نقل از وبگاه وزارت امور خارجه چین، وانگ ونبین، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، در یک نشست خبری در پاسخ به اینکه دولت چین چه توضیحی ...

صفحه ۲



در «شرق» امروز می‌خوانید: «شام جدید»؛ تهدید یا فرصت؟! علیزاده طباطبایی : قره‌حسنلو در حال کمک به مجروحان بوده، راه‌هایی برای به‌دست آوردن دلار و یادداشت‌هایی از قادر باستانی، حسین گنجی، سجاد شکوری‌راد

ازسرگیری عملیات تروریستی ودرگیری‌های مرزی، چالش جدیددولت اسلام‌آباد

پایان ماه‌عسل طالبان و پاکستان

گزارش خبرنگار «شرق» ازتجمع سکوت بیماران SMAمقابل وزارت بهداشت

بلا تکلیفی دارویی ۴۰۰ بیمار مبتلا به SMA



ثبت اسم علی سوادکوهی در تاریخ بالاخره «باروز»، افتاد

یادداشت

پدیدارشناسی اشتباهات سیاسی



کورش الماسی

دلسوزان بسیاری در عرصه رسمی و غیررسمی سیاسی پیوسته تلاش می‌کنند تا «راهکارهایی کم‌هزینه و ملی» برای برون‌رفت از چالش فعلی ارائه و ترویج کنند. این موج تلاشی است به منظور درک کاربردی برخی افعال، رفتار و عملکردهای غیرکاربردی (اشتباهات) سیاسی. در راستای درک برخی سیاست‌های غیرکاربردی (اشتباهات) سیاسی، تبیینی کلی و مختصر از دو مفهوم اشتباه و سیاست ارائه می‌شود. مفهوم اشتباه به‌طور کلی و کاربردی، معطوف به ناخشنودی از نامطلوب‌بودن امر، موضوع یا شریاطی است. به عبارتی، ما از نتیجه تلاش یا رفتار خود یا دیگران در امری خاص ناخشنود می‌شویم. نکته اساسی و کاربردی اینکه نظر منفی ما نسبت به امری مبتنی بر یک ارزیابی و سنگ محک است. به این معنی که ناخشنودی ما از امری براینند تحقق‌نیافتن برخی نیازها، اهداف، نظرات، احساسات و… است. به عنوان مثال، فردی از درآمد خود نارضی است، چراکه کفاف نیازهای ابتدایی زندگی او را نمی‌دهد. یا صاحب (صاحبان) یک واحد صنعتی به دلیل هزینه‌های بالای تولید از شرایط اقتصادی کشور ناخشنود هستند. یا افراد دارای تحصیلات دانشگاهی از اینکه فرصت شغلی پیدا نمی‌کنند، از شرایط کسب‌وکار در جامعه ناخشنود هستند. یا شهروندان در مناطق محروم از اینکه در کشوری با این همه منابع، ذخایر، دارایی و… زیستی دشوار دارند، ناخشنود هستند. یا زنان از برخی رفتار و عملکردهای سیاسی که منجر به محدودشدن بسیاری از فرصت‌های اجتماعی برای آنها شده است، ناخشنود هستند. … و بنابراین، ناخشنودی فرد، گروه یا یک جامعه حاکی از این امر است که در برخی امور فردی، گروهی یا ملی اشتباهاتی رخ داده است. اگر رابطه علت و معلولی ناخشنودی و اشتباه در امری را منطقی و کاربردی تلقی کنیم، آنگاه، شاید بتوان از این رابطه (ناخشنودی و اشتباه) برای درک، تحلیل، ارزیابی و شاید تولید راهکارهایی برای مدیریت انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی و ملی که زیست شهروندان را دشوار کرده است، استفاده کرد.

آیا خطاست اگر ادعا شود چالش‌هایی که در عرصه‌های اقتصادی، روابط خارجه، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، دانشگاه‌ها، تجارت، اخلاق سیاسی، ناهنجارهای اجتماعی، تضعیف نهاد خانواده، برخی محدودیت‌های اجتماعی بدون توجیه کاربردی برای زنان و… که دلیل تنش‌های پیوسته اجتماعی در چند سال اخیر شده است، براینند برخی سیاست‌های غیرکاربردی و غیرملی‌یگیری‌شده توسط برخی عناصر در مدیریت است. به عنوان مثال، عملکرد دست‌اندرکاران روابط خارجه یک نمونه از سیاست‌های غیرکاربردی است.

ادامه در صفحه ۵

کارشناسان اقتصاد در نشست علمی «الزامات و پیش‌نیازهای برنامه هفتم توسعه» مطرح کردند

دولت‌های برنامه‌گریز

فرشاد مومنی:	حجت میرزایی:	محمد قاسمی:
سال ۸۴ رئیس دولت صادقانه گفّت برنامه را برنمی‌تابم و مناسبات رانتي اساس پیشبرد کارها شد	سازمان برنامه به حاشیه رفته و دولت می‌گوید کشور بدون برنامه پیشرفت‌هایی شگرف داشته	دهه ۹۰ از نظر رشد اقتصادی دهه از دست‌رفته است که این اتفاق تبعات اقتصادی و اجتماعی داشته
		

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



• عکس: عباس کوثری، شرق

سعید لیلاز را بیش از همه به‌عنوان فعال سیاسی و تحلیلگر اقتصاد می‌شناسند. اما او دانش‌آموخته رشته تاریخ است و تخصص اصلی‌اش نیز در زمینه تاریخ اقتصاد است. سعید لیلاز به‌ندرت در رسانه‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش از جایگاه دانش‌آموخته تاریخ سخن می‌گوید، اما احاطه‌اش بر تاریخ اقتصاد و سیاست از او چهره‌ای چندوجهی ساخته است که می‌تواند موضوعات و مسائل جامعه را از جنبه‌های مختلف آن ارزیابی کند.

لیلاز خوش‌سخن و در بیان خلاق است، اما گاهی اوقات این چندوجهی‌بودن و سخنان گاه متفاوتش از هم‌کیشان خود دردرساز شده و او را در برابر انتقادات تند و گزنده‌ای قرار می‌دهد.

یادداشت

اقتصاد و انفعال سیاست‌گذار



حسین حنکو کارشناس اقتصادی

نقل این روزهای اخبار صداوسیم‌ا دعوت از مردم برای خرید و ذخیره‌کردن «مرغ گرم» است. مرغی که به واسطه سیاست‌های مداخله‌گرایانه دولت در همه مراحل تولید آن و نیز کاهش شدید قدرت خرید مردم، روی دست تولیدکنندگان مانده و این مجموعه را با نگرانی از ورشکستگی دست به گریبان کرده است.

در این گزارش‌های خبری بر صفت «گرم» در کنار موصوف «مرغ» تأکید بسیار می‌شود. تأکیدی که ظاهراً قرار است از سردی و خشونت وضعیت اقتصادی این روزهای کشور بکاهد و رنگ بر رخسار مردمی آورد که بخش بزرگی از آنان به گواهی اخبار رسانه‌های رسمی و آمار دولتی گوشت و مرغ را چند سالی است از سبد خرید خود حذف و از حافظه خود پاک کرده‌اند (اینا، ۱۴۰۱/۱۶/۱۵).

اما این تبلیغات و این بازارگرمی رسانه‌ای برای رو به بهبودی نشان‌دادن وضعیت اقتصادی کشور، خروجی نظام سیاست‌گذاری و نگاه تصمیم‌سازانی است که «هر وقت درباره مسائل اقتصادی صحبت می‌کنند، راجع به مرغ، تخم‌مرغ، گوشت، نان، لبنیات و روغن است… و خودشان را مسئول تأمین کالای مصرفی اولیه جامعه می‌دانند نه کالای عمومی (دکتر نیلی، ۱۴۰۰/۱۲/۷)» و اصولاً درکی از مسئله و مشکل اقتصادی جامعه ندارند.

چنان‌که در همین روزهای اخیر بود که وزیر صمت از «لحظه‌شماری» مردم برای واردات خودرو سخن گفت؛ مردمی که آرزوی یک خودروی وطنی آن هم نه به قصد

با اینکه او از تاریخ می‌گوید اما به دلیل قرائت خاص او از تاریخ نمی‌توان در برابر تحلیل‌های بی‌تفاوت ماند و موضع نگرفت. او معتقد است در تاریخ ایران تاکنون سه تضاد وجود دارد. اول، تضاد کوچ‌روان و یکجانشینان. از مغول تا انقلاب اسلامی، دعوا بین شهر و روستا اتفاق می‌افتد و انقلاب اسلامی، ایران را وارد فاز تضاد طبقاتی می‌کند و موتور محرکه تاریخ ایران که از کوچ‌روان و یکجانشینان به شهر و روستا منتقل شده بود، اکنون به طبقات اجتماعی انتقال یافته است. گفت‌وگوی پیش‌رو که بر اساس تاریخ اقتصادی ایران صورت گرفته، به‌نوعی ادامه مباحثی است که لیلاز در کلاس‌های دانشگاه شهید بهشتی تدریس می‌کند. در این گفت‌وگو او با نگاهی تاریخی به اقتصاد سیاسی ایران معاصر می‌پردازد و با نقب‌زدن به تاریخ مسائلی را تحلیل می‌کند که از گذشته در اقتصاد ایران موضوعیت داشته و همچنان نیز تبعات آن ادامه دارد.

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید



تفریح و تفرج خانوادگی بلکه برای مسافرکشی دارند. مردمی که لوازم شخصی را با غذا تعویض می‌کنند (گزارش روزنامه شرق، ۹/۲۰) و حقوق ماهانه‌شان به زحمت کفاف دوسوم ماه را می‌دهد و هر روز گروه بیشتری از آنان به زیر خط فقر پرتاب می‌شوند (حدود یک‌سوم جمعیت کشور یعنی ۲۶ میلیون فقیر مطلق با احتساب میانگین درآمد شش‌میلیون و ۳۵۰ هزار تومانی یک خانوار چهارنفره. این رقم در ابتدای دهه ۹۰ حدود ۱۲٫۵ میلیون نفر بوده است. رسانه‌ها، ۱۴۰۱/۸/۱).

اما اقدام و ابتکار دولت برای مواجهه با این وضعیت دردناک، راهکارهایی است غم‌انگیز و تأسف‌بار. چنان‌که یکی از مسئولان همین وزارتخانه از طرحی سخن گفت که براساس آن با ارسال یک پیامک از کد واحد صنفی متخلف از سوی مردم، بازارسان این وزارتخانه به سرعت برق و باد سر رسیده و کاسب متخلف را به سزای عملش می‌رسانند و حتی جوایزی را تقدیم فرد اطلاع‌دهنده می‌کنند. طبق تحلیل درخشان این مقام مسئول: «وقتی هر مشتری چنین اختیار و امکانی را داشته باشد که تخلف را به‌آسانی اعلام کند، امکان اینکه فروشنده قیمت را پایین بیاورد و به قیمت منطقی و اصلی آن محصول بفروشد، وجود دارد و هدف ما هم همین موضوع است» (رسانه‌ها، ۹/۱۸). این در حالی است که دیگر بر هر فرد عادی و فاقد دانش اقتصاد هم کاملاً روشن است که تورم با گرانی چند قلم کالا فرق دارد و ریشه مشکل به قول همان آدم‌های عادی چاپ پول از سوی دولت است؛ بنابراین درمان این بیماری مهلک هم به دولت و نظام حکمرانی بازمی‌گردد و نه به مردم و رودرو قراردادن آنها با کاسب محل! قبل از خلاقیت فوق‌الذکر، البته ابتکار «نصب قیمت تولیدکننده» نیز از دل همین دم و دستگاه اداری صادر شده بود که اکنون هیچ خبری از آن همه هیاهوی بی‌حاصل نیست.

چنان‌که در این روزهای اخیر بود که وزیر صمت از «لحظه‌شماری» مردم برای واردات خودرو سخن گفت؛ چهارهزارو ۲۰۰ تومانی که با وجود صحت اصل اقدام، به سبب

آنان در این روزهای سرد مأمّنی «گرم» نمی‌یابد.